

# جوانان



آية الله سيد رضا حسيني نسب

بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِیْمِ

## فصل اوّل

## اهمیت دوران جوانی

دوران جوانی ، شیرین ترین ، زیبا ترین و پر نشاط ترین برهه از زندگی انسان را تشکیل می دهد. در این مرحله درخشان ، آدمی از نیرویی سرشار و استعدادهایی ارزشمند بهره مند است و در بحبوحه تندرستی و سلامتی جسمانی و روانی به سر می برد. به همین جهت ، پیامبر گرامی اسلام (ص) ، با اشاره به ارزش فوق العاده دوران جوانی ، آن را از نعمت های بی نظیر الهی قلمداد نموده و چنین می فرماید :

**"یا اباذر ، اغتنم خمسا قبل خمس : شباک قبل هر مک ، و صحتک قبل سقمک ، و غناک قبل فقرک ، و فراغک قبل شغلک ، و حیاتک قبل موتک".**

"ای اباذر ! پنج چیز را قبل از پنج چیز غنیمت بشمار :

- جوانیت را قبل از پیری.
- تندرستیت را قبل از بیماری.
- بی نیازیت را پیش از تهیدستی.
- فراغت را قبل از گرفتاری.
- زندگی را قبل از مرگ".

در این حدیث شریف ، رسول گرامی اسلام به مهمترین نعمت های دنیوی اشاره می فرماید و اباذر غفاری را به اهمیت آنها و لزوم

غنیمت شمردن آنها توصیه می کند ، و در صدر همه آن نعمت ها ،  
نعمت جوانی را یاد آور می شود.

دلیل این اهتمام فوق العاده آن است که نعمت جوانی تنها یک بار  
در طول عمر انسان ، به وی اعطا می شود و قابل تکرار نیست.  
چنانکه ادیبان ما فرموده اند :

جوانی چنین گفت روزی به پیری  
که چون است با پیریت زندگانی  
بگفت اندرین نامه حرفی است مبهم  
که معنیش جز وقت پیری ندانی  
جوانی نکودار ، کاین مرغ زیبا  
نماند در این خانه استخوانی  
متاعی که من رایگان دادم از کف  
تو گر میتوانی ، مده رایگانی

امام کاظم (ع) در تفسیر این آیه قرآن که می فرماید : "لاتنس  
نصیبک من الدنیا" (یعنی : بهره خود را از دنیا فراموش مکن) ،  
چنین می گوید :

"سلامتی ، نیرومندی ، فراغت ، جوانی و نشاط خود را در مصیری  
قرار ده تا آخرت را بدست آوری".

امام علی (ع) نیز در سخنی زیبا چنین می فرماید :

"شیئان لایعرف فضلہما إلا من فقدہما : الشباب و العافیة".

"دو چیز هستند که تنها کسی که آنها را از دست داده است ، قدر آن را می داند : جوانی و سلامتی".

جوانی نعمتی است بزرگ ، ولی افسوس که به سرعت می گذرد و اگر آدمی از این فرصت زودگذر در مسیر تحصیل سعادت خویش استفاده نکند ، در دوران کهولت و پیری سر انگشت حسرت به دندان می گزد و چنین می گوید :

از جوانی داغها بر سینه ما مانده است  
نقش پایی چند از آن طاوس بر جا مانده است  
در بساط من ز عنقای سبک پرواز عمر  
خواب سنگینی چو کوه قاف بر جا مانده است

### هورمون جوانی

علت شادابی انسان در دوران جوانی این است که بدن در این مرحله از حیات ، نوعی هورمون به نام HGH که موجب رشد و نمو عضلات و استخوان ها است و از تراکم چربی های مضر در بدن جلوگیری می نماید را ترشح می کند.

این هورمون به هنگام خواب به مدت حدود یک ساعت و نیم ، وارد خون می شود. این عمل از اول زندگی تا سن سی سالگی به صورت مرتب ادامه می یابد . (البته در زنان ، این مدت طولانی تر است).

اما پس از این زمان ، رو به تنزل می گذارد و هر روز کمتر می شود، تا اینکه در سنین بالا ، به صورت کامل متوقف می گردد ، و در این حالت ، عوارض پیری و کهولت ، ظهور می کند و سر انجام ، به مرگ انسان ، می انجامد.

### جوان با ایمان ، نعمتی گرانبها

آیات شریفه قرآن و روایات نورانی پیشوایان اسلام ، ارزش والای جوانان پاک و پارسا را به تصویر کشیده اند. توجه به این امر ، پدران و مادران و مربیان جوانان را به گرانبهایی آنان واقف می سازد و به تربیت فرزندان صالح و شایسته ، ترغیب و تشویق می کند.

در اینجا نمونه هایی از آیه های قرآنی و احادیث اسلامی را از نظر گرامی شما می گذرانیم :

قرآن مجید از حضرت ابراهیم (ع) چنین حکایت می کند که به خاطر دو نعمت بزرگ الهی ، یعنی دو جوان برومند ، سپاس خداوند را به جا آورده و چنین گفته است :

الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي وَهَبَ لِي عَلَى الْكِبَرِ إِسْمَاعِيلَ وَإِسْحَاقَ إِنَّ رَبِّي لَسَمِيعُ  
الدُّعَاءِ.

"حمد و سپاس خداوندی را که در زمان پیری ، اسماعیل و اسحاق را به من عطا فرمود ، همانا پروردگار من شنونده درخواست ها است".

پیامبر دیگر خدا ، حضرت زکریّا (ع) ، از خدا می خواهد تا فرزندی شایسته به وی عطا کند تا جانشین و وارث او باشد. متن آیه مذکور بدین شرح است :

"فهب لی من لدنک ولیّاً یرثنی و یرث من آل یعقوبّ".

"(خدایا) ، از جانب خودت فرزندی به من عطا فرما ، که وارث من و وارث آل یعقوب باشد".

پیامبر گرامی اسلام ، فرزند شایسته را به عنوان باقیات صالحات می شمارد که ثواب اعمال خیر او حتّی پس از مرگ پدر و مادر هم، به آن دو واصل می گردد ، و چنین می فرماید :

**سبعة أسباب یکسب للعبد ثوابها بعد وفاته :**

- رجل غرس نخلا ،
- أو حفر بئرا ،
- أو أجرى نهرا ،
- أو بنى مسجدا ،
- أو کتب مصحفا ،
- أو ورّث علما ،
- أو خلف ولدا صالحا یرثه بعد وفاته.

یعنی : هفت چیز باعث استمرار رسیدن ثواب به روح بنده خدا پس از مرگ وی می باشد :

- مردی که درخت (نخلی) را بکارد،
- یا چاه آبی را حفر کند،

- یا نهر آبی را جاری سازد،
- یا مسجدی را بسازد،
- یا کتابی را بنویسد،
- یا دانشی را از خود به ارث بگذارد،
- یا فرزند شایسته ای را از خود به یادگار بگذارد تا پس از وفات او ، برایش طلب آمرزش کند.

امام سجاد (ع) نیز چنین می فرماید :

**مِنْ سَعَادَةِ الْمَرْءِ الْمُسْلِمِ أَنْ يَكُونَ مَتَّجِرَهُ فِي يَلَدِهِ، وَ يَكُونَ خُلَاطُؤُهُ صَالِحِينَ، وَ يَكُونَ لَهُ وَلَدٌ يَسْتَعِينُ بِهِ.**

"از سعادت انسان مسلمان این است که محل کسب او در شهرش باشد ، و دوستانش از افراد صالح باشند ، و فرزندی داشته باشد که از او کمک جوید".

پیامبر اسلام (ص) می فرماید :

**أَوْلَادُ الصَّالِحِ رِيحَانَةٌ مِنَ اللَّهِ قَسَمَهَا بَيْنَ عِبَادِهِ .**

"فرزند صالح ، ریحانه و گلی از جانب خداوند است که قسمت بندگانش فرموده است".

و در روایت دیگر چنین می فرماید :



**الْوَلَدُ الصَّالِحُ رِيحَانَةٌ مِنْ رِيَّاحِينَ الْجَنَّةِ.**

"فرزند شایسته ، ریحانه ای از گل‌های بهشت است ."

بنا بر آنچه گذشت ، بر پدران و مادران واجب است تا خداوند را به خاطر نعمت فرزندان خوب ، شکر گزار باشند و به خاطر وقتی که برای تربیت آنان صرف می کنند و یا وجهی که در این راستا می پردازند ، احساس خستگی نکنند و گمان نبرند که صرف وقت و مال برای تربیت فرزندان و جوانانشان خسارت و زیان است ، زیرا زیان واقعی این است که انسان ، فرزندان و خانواده خود را از دست بدهد. چنانکه قرآن مجید در این زمینه می فرماید :

**"قُلْ إِنَّ الْخَاسِرِينَ الَّذِينَ خَسِرُوا أَنْفُسَهُمْ وَ أَهْلِيهِمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ".**

"بگو : زیانکاران در روز رستاخیز ، کسانی هستند که خود و خانواده خود را از دست داده اند."

## **خدا جوانان را دوست دارد**

روایات بسیار در متون اسلامی وجود دارد که بر عشق خداوند و محبت او نسبت به جوانان دلالت می کند. در اینجا برخی از احادیث یادشده را از نظر گرامی شما می گذرانیم :

قال رسول الله (ص) :

**"ما من شيء أحبّ إلى الله عزّ وجلّ من شابّ نائب".**

"پیامبر اسلام (ص) فرمود : هیچ چیز برای خداوند ، محبوب تر و دوست داشتنی تر از جوان توبه کننده نیست".

در حدیثی دیگر چنین می فرماید :

**"إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى يَبْهِي بِالشَّابِّ الْعَابِدِ الْمَلَائِكَةَ ، يَقُولُ : انظروا إلى عبدي كيف ترك شهوته من أجلي".**

"خداوند به خاطر جوان عبادت کننده ، در نزد فرشتگان مباحات می کند ، او می فرماید : به بنده من بنگرید ، چگونه هوای نفسانی خود را به خاطر من رها ساخته است".

در روایتی دیگر می فرماید :

**"إِنَّ أَحَبَّ الْخَلْقِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ شَابٌّ حَدَثَ السِّنِّ فِي صُورَةٍ حَسَنَةٍ جَعَلَ شَبَابَهُ وَجَمَالَهِ لِلَّهِ وَطَاعَتَهُ ، ذَلِكَ الَّذِي يَبْهِي بِهِ الرَّحْمَانُ مَلَائِكَتَهُ؛ يَقُولُ : هَذَا عَبْدِي حَقًّا".**

"محبوب ترین آفریدگان در نزد خداوند عز و جل ، جوان خوش سیمایی است که جوانی و زیبایی خود را برای خدا و پیروی از او قرار داده است. او کسی است که خداوند در نزد فرشتگانش به خاطر او مباحات و افتخار می نماید و می گوید : او ، حقیقتاً بنده من است".

در سخنی دیگر چنین می فرماید :

**"إِنَّ اللَّهَ يَحِبُّ الشَّابَّ الَّذِي يَغْنِي شَبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ".**

"خداوند ، جوانی را که جوانی خود را در راه طاعت از خدا صرف می کند دوست دارد".

آن حضرت در روایتی دیگر می فرماید :

"شَابٌ سَخِيٌّ حَسَنُ الْخَلْقِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى مِنْ شَيْخٍ بَخِيلٍ عَابِدِ سَيِّئِ الْخَلْقِ".

"جوان سخاوتمند و خوش اخلاق در نزد خدا ، از پیر مرد بخیل و عبادت کننده بهتر است".

## پاداش خدا برای جوانان با ایمان

رسول گرامی اسلام (ص) می فرماید :

"فَضْلُ الشَّابِّ الْعَابِدِ الَّذِي تَعَبَّدَ فِي صِبَاهٍ عَلَى الشَّيْخِ الَّذِي تَعَبَّدَ بَعْدَ مَا كَبُرَ سَنَّهُ كَفَضْلِ الْمُرْسَلِينَ عَلَى سَائِرِ النَّاسِ".

"برتری جوانی که خداوند را در نوجوانی عبادت می کند ، نسبت به پیری که در کهولت سنّ عابد می گردد ، مانند برتری پیامبران مرسل نسبت به مردمان دیگر است".

در حدیثی دیگر چنین می فرماید :

"يَا أَبَا ذَرٍّ ، مَا مِنْ شَابٍّ يَدْعُ لِلَّهِ الدُّنْيَا وَ لِهَوَاهَا وَ أَهْرَمَ شِبَابَهُ فِي طَاعَةِ اللَّهِ إِلَّا أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ اثْنَيْنِ وَ سَبْعِينَ صَدِّيقًا".

"ای اباذر ! هیچ جوانی نیست که به خاطر خدا دنیا و بازیچه های آن را رها کند و جوانی خود را در اطاعت از خداوند صرف نماید ، مگر اینکه خدا اجر هفتاد و دو تن از صدیقان را به وی عطا می کند".

## مسئولیت های جوانان

همانگونه که ارزش جوانان در نزد خداوند بسیار رفیع و بلند است ، مسئولیت های آنان نیز در نزد پروردگار ، بسیار بزرگ و خطیر است. پیامبر گرامی اسلام در این زمینه چنین می فرماید :

لاترول قدما عبد يوم القيامة حتى يسأل عن أربع :

- عن عمره فيما أفناه ،
- و عن شبابه فيما أبلاه ،
- و عن ماله من أين اكتسبه و فيما أنفقه ،
- و عن حيننا أهل البيت.

"بنده ای نمی تواند در روز قیامت گامی (به پیش) بردارد ، مگر اینکه از چهار چیز از وی سؤال می شود :

- از عمر او که در چه زمینه ای گذرانده است ،
- از جوانیش که در چه امری صرف کرده است ،
- از مال او که از کجا آورده و برای چه چیزی خرج کرده است ،
- از محبت ما اهل بیت .

پیامبر اسلام با اشاره به مسئولیت جوانان در این زمینه ، چنین می فرماید :

"يا معشر الفتیان ، حصّوا أعراضكم بالأدب و دينكم بالعلم".

ای گروه جوانان ، آبروی خود را با ادب ، و دین خود را در پناه دانش ، نگهداری کنید".

امیر مؤمنان (ع) نیز چنین می فرماید :

"سنة أشياء حسن ، و لكنّها من سنة أحسن :

- العدل حسن و هو من الأمراء أحسن ،
- الصبر حسن و هو من الفقراء أحسن ،
- و الورع حسن و هو من العلماء أحسن ،
- و السخاء حسن و هو من الأغنياء أحسن ،
- و التوبة حسن و هي من الشباب أحسن ،
- و الحياء حسن و هو من النساء أحسن.

"شش چیز است که زیبا است ، ولی از شش طایفه زیبا تر می باشد :

- عدالت زیبا است ، ولی از حاکمان پسندیده تر است ،
- صبر زیبا است ، ولی از فقیران پسندیده تر است ،
- پارسایی زیبا است ، ولی از دانشمندان پسندیده تر است ،
- سخاوت زیبا است ، ولی از ثروتمندان نیکو تر است ،
- توبه زیبا است ، ولی از جوانان پسندیده تر است ،
- حیا زیبا است ، ولی از زنان پسندیده تر است .

امام جعفر صادق (ع) می فرماید :

"لست أحبّ أن أرى الشابّ منكم إلا غاديا في حالين : إمّا عالما أو متعلّما".

"دوست ندارم جوانان شما را در غیر از دو حالت ببینم : یا دانشمند باشند ، و یا در حال آموختن دانش".

بر اساس آنچه بیان شد ، مهمترین مسئولیت های جوانان عبارت  
است از :

- کسب دانش ،
- تحصیل اخلاق زیبا و ادب ،
- به دست آوردن تقوا و پارسایی ،
- تحصیل ایمان مبتنی بر علم و استدلال.

\*\*\*\*\*

## فصل دوم

## جوانان و امر تربیت

دوران جوانی ، برهه ای تعیین کننده است که اصول کلی و خطوط اصلی زندگی انسان در آینده را ترسیم می کند. اینجا است که نقش تربیت در دوران کودکی ، نوجوانی و جوانی ، به صورت بارز جلوه گر می شود و توجه پدران و مادران و مسئولان امور تربیتی را بیش از پیش به خود جلب می کند.

بدین جهت ، پیامبر اسلام می فرماید :

**"ما من مولود إلا یولد علی هذه الفطرة ، فأبواه یهودانه أو بنصرانه".**

"هیچ مولودی نیست مگر اینکه بر اساس فطرت پاک اسلامی زاده می شود ، پس پدر و مادرش هستند که او را یهودی یا نصرانی می گردانند".

این در حالی است که همین کودکان و نوجوانان هستند که در آینده، سگان اداره جامعه و زمام امور کشورها را در دست خواهند گرفت.

روزی امام حسن مجتبی (ع) به کودکان خود فرمودند :

**"إِنَّكُمْ صغَار قوم ، ویوشك أن تكونوا كبار قوم آخرین ، فتعلموا العلمَ الیوم ، فمن لم یستطع منكم أن یحفظه فلیکتبه ، ولیضعه فی بینه".**



"شما کوچک های قومی هستید ، و زود باشد که بزرگان قومی دیگر شوید . پس امروز ، دانش را فرا گیرید ، و اگر نمی توانید آن را از بر کنید ، آن را بنویسید و در خانه نگهدارید".

شایسته است تا این فرصت طلایی وجود دارد ، در تربیت و تعلیم کودکان ، نوجوانان و جوانان تلاش لازم به عمل آید . زیرا امام علی (علیه السلام) می فرماید :

**" مَنْ لَمْ يَتَعَلَّمْ فِي الصَّغَرِ ، لَمْ يَتَقَدَّمْ فِي الْكِبَرِ "**

"کسی که در خردسالی دانش نیاموزد ، در بزرگسالی پیشرفتی نخواهد داشت".

## **ادب ، بهترین میراث**

هر انسانی که فرزندان خود را دوست دارد ، می خواهد مال و ثروتی را پس از مرگش برای آنان به ارث بگذارد تا بعد از وی بتوانند به زندگانی آبرومندانه خود ادامه دهند و دچار فقر و تنگدستی نگردند.

اما پیشوایان بزرگ دینی ، در سخنان زیبای خود به ما آموخته اند که بهترین میراثی که پدر یا مادر می توانند برای فرزندان خویش برجای گذارند ، ادب است.

امیر مؤمنان در حدیثی چنین می فرماید :

**"خَيْرُ مَا وَرَّثَ الْآبَاءُ الْآبْنَاءَ : الْأَدَبُ"**

"برترین میراثی که پدران برای فرزندا بر جای می گذارند ، ادب است".

پیامبر گرامی اسلام نیز در این زمینه چنین می فرماید :

**"میراث الله من عبده المؤمن : الولد الصالح يستغفر له".**

"میراث خداوند از بنده شایسته اش ، فرزند صالح اوست که برای وی طلب مغفرت می کند.

\*\*\*\*\*

# فصل سوم

## مدیریت امور جوانان

در پرتو تعالیم اسلام و سخنان بزرگان دین ، اصولی برای مدیریت امور جوانان بیان شده است که مراعات آنها برای والدین و متصدیان امور تربیت نوجوانان و جوانان ، ضروری است.

### حساسیت دوران جوانی

وقتی انسان از مرحله کودکی به مرحله نوجوانی ، و از دوران نوجوانی به دوران جوانی منتقل می شود ، همانگونه که خصوصیات جسمانی او تغییر می کند ، همانطور ، ویژگیهای روحی و روانی او نیز دگرگون می گردد.

بنا بر این ، در صورتی که والدین و مربیان جوانان از تحولات مذکور و مقتضیات آن آگاه نباشند و با جوانان همانگونه رفتار کنند که در ایام کودکی آنان رفتار می کردند ، با مشکلات و دشواریهای بزرگی مواجه می شوند و چه بسا اشتباهات خطیری را مرتکب می گردند.

بر این اساس ، متصدیان امور تربیت جوانان و همچنین پدران و مادران آنها باید اصول مدیریت ویژه جوانان را فراگیرند تا بتوانند به اهداف عالی در زمینه تعلیم و تربیت این نسل سرنوشت ساز دست یابند.

## اصول مدیریت امور جوانان

بزرگان اسلام و دانشمندان علوم روانشناسی و جامعه شناسی ، اصول متعددی را برای مدیریت امور نوجوانان و جوانان بیان کرده اند و ما در اینجا به برخی از مهمترین اصول یادشده اشاره می کنیم :

### اصل اول :

#### شناخت مراحل عمر جوانان

پیش از هرچیز ، باید مربیان و والدین به شناخت خصوصیات نوجوانان و جوانان در مراحل گوناگون بپردازند.

بر این اساس ، پیامبر بزرگ اسلام (ص) در سخنی زیبا ، به سه مرحله از عمر اولاد اشاره می کند و چنین می فرماید :

**"الولد سید سبع سنین ، وعبد سبع سنین ، و وزیر سبع سنین".**

"فرزند ، به مدت هفت سال آقا و سرور است ، و به مدت هفت سال ، بنده است ، و به مدت هفت سال ، وزیر است".

معنا و مفهوم این حدیث شریف این است که در هفت سال اول زندگی کودک ، نباید او را تحت فشار و سخت گیری زیاد قرار داد، بلکه باید با نهایت مدارا با او رفتار کرد.

ولی در هفت سال دوم که دوران نوجوانی است ، آمادگی بیشتری برای امر تعلیم و تربیت در وجود او وجود دارد ، و لذا باید

این فرصت مهم را غنیمت شمرد و نهایت تلاش را برای تعلیم و تربیت او به صورت صحیح انجام داد.

اما در هفت سال سوم که دوران جوانی است ، نباید تنها با امر و نهی با او رفتار کنند ، بلکه باید او را در امور مهمّ خانوادگی و اجتماعی به عنوان مشاور و همکار ، مشارکت دهند ، تا آمادگی لازم را برای آغاز زندگانی فردی و اجتماعی و حلّ مشکلات خویش بدست آورد و آماده ورود به جامعه به صورت مستقل گردد.

پیامبر گرامی اسلام در حدیثی دیگر به همین نکته اشاره می کند و چنین می فرماید :

**"الولد سبع أمير ، و سبع أسير ، و سبع وزير".**

"فرزند ، هفت سال امیر است ، و هفت سال اسیر است ، و هفت سال وزیر است".

## **اصل دوم :**

### **شناخت مقتضیات مراحل عمر جوانان**

پس از آگاهی بر اختلاف مراحل عمر کودکان و جوانان ، به این نکته پی می بریم که هر یک از دوره های مذکور ، مقتضیات و ویژگیهای خاصی دارد ، و لازم است با توجه به لوازم هر دوره با آنان رفتار شود.

وقتی دانستیم که فرزندان در هفت سال اول عمرشان حالت آزادی طلبی خاصی را در خانه از نظر روانشناسی دارند ، باید به آنان فرصت بازی و سرگرمی بدهیم ، ولی در عین حال سعی کنیم تا از

طریق بازی و سرگرمی ، مطالبی را که می خواهیم به آنان بیاموزم، تعلیم دهیم. این روش را بسیاری از جوامع پیشرفته از راه تهیّه و ساخت بازیهای فکری و سرگرمی های جذاب و هدفدار ، به کار می بندند.

پس از مرحله نخست ، یعنی از هفت تا چهارده سالگی ، باید با جدّیت بیشتر و با روشهای علمی و تربیتی مناسب با عصر و زمان خود ، به امر تربیت و تعلیم نوجوانان پردازیم.

در مرحله سوم ، یعنی از چهارده تا بیست و یک سالگی ، باید جوانان را در امور مهمّ خانواده و جامعه ، مشارکت دهیم . در این مرحله نباید پدر و مادر ، تنها با امر و نهی و از موضع بالا با آنان برخورد نمایند ، بلکه برای کارهایی مانند تهیّه منزل ، امور کسب و کار ، تعامل با دیگران و امثال آن ، با جوانان مشورت نمایند ، و آنان را آماده ورود به جامعه به صورت مستقل بنمایند.

از اینرو امام صادق (ع) در احادیث ذیل ، برای هر سنی به تناسب مقتضیات زمان خود ، دستور العمل های ذیل را به پیروان خود توصیه می فرماید :

**"دَعِ ابْنَكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ ، وَيُؤَدِّبُ سَبْعًا ، وَالزَّمَهُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ ، فَإِنْ أَفْلَحَ وَإِلَّا فَبِئْسَ مَا كَانَتْ يَوْمَهُ لَكَ خَيْرَ فِيهِ".**

"بگذار فرزندت به مدّت هفت سال بازی کند ، و به مدّت هفت سال به آموزش و پرورش پردازد ، و به مدّت هفت سال ، او را با خود همراه ساز . اگر پس از این مدّت رستگار نشد ، خیری در او نیست".

از آنجا که استعداد همه کودکان و نوجوانان یکسان نیست و برخی از آنان سریعتر آماده یاد گیری می شوند ، امام صادق (ع) در روایتی دیگر ، شش سال را برای بازی کودکان کافی می داند و چنین می فرماید :

"کودک خود را به مدّت شش سال آزاد بگذار ، آنگاه به مدّت شش سال به او ادب بیاموز ، آنگاه او را با خود همراه ساز تا زیر نظر خودت به آموزش و پرورش بپردازد. پس از این مدّت اگر پذیرفت و شایسته شد که خوب است ، و گر نه ، او را رها کن".

پیامبر گرامی اسلام نیز ، با اشاره به یکی از مقتضیات دوران کودکی که پر تحرّکی است ، چنین می فرماید :

**"يستحب عرامة الغلام في صغره ليكون حلّیما في كبره".**

"پر تحرّکی و جنب و جوش زیاد کودک ، امری پسندیده است ، تا در بزرگسالی ، صبور و بردبار باشد".

### **اصل سوم :**

#### **شناخت استعداد جوانان در امر آموزش**

شناخت نیروهای نهفته در نوجوانان و جوانان در زمینه آموزش ، راه را برای اتخاذ روش مناسب و انتخاب استراتژی صحیح آموزشی هموار می سازد.

از مجموعه روایات اسلام به خوبی روشن می گردد که بهترین زمان آموختن و یادگیری ، دوران نوجوانی و جوانی است.



رسول خدا (ص) در این زمینه می فرماید :

"من تعلم في شبابه كان بمنزلة النقش على الحجر ، ومن تعلم في كبره كان بمنزلة الكتاب على وجه الماء".

"کسی که در جوانی بیاموزد ، مانند نقش کردن بر سنگ است ، و کسی که در پیری بیاموزد ، مانند نوشتن بر روی آب است".

امیر مؤمنان (ع) نیز چنین می فرماید:

"إنما قلب الحدث كالأرض الخالية ، مهما الغي فيه من كل شيء قبله".

"دل (یعنی ذهن) نوجوان مانند زمین مستعد خالی است ، هرچه در آن افشانده شود ، آن را می پذیرد".

امام صادق (ع) نیز می فرماید :

"من قرأ القرآن و هو شابّ مؤمن ، اختلط القرآن بلحمه و دمه".

"کسی که قرآن بخواند در حالی که جوانی مؤمن است ، قرآن با گوشت و خون او آمیخته می گردد".

### **اصل چهارم :**

#### **شناخت استعداد جوانان در امر پرورش**

آموزش و پرورش ، ملازم و مکمل یکدیگرند ، و هیچکدام از آنها بدون دیگری ، به تعالی و کمال انسان نمی انجامد.

بنا بر این ، متصدیان امر آموزش و پرورش جوانان و همچنین والدین آنها باید توانایی های نوجوانان و جوانان را در امور تربیتی دریابند ، تا از این نیروی عظیم و استعداد سرشار در جهت پرورش نسلی شایسته و توانا به خوبی استفاده نمایند.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید :

**"اوصیکم بالشباب خیرا ، فإنهم أرقّ أفئدة ، إنّ الله بعثني بشیرا و نذیرا فخالغني الشبان و خالغني الشیوخ".**

"شما را به جوانان توصیه می کنم ، زیرا آنان خوش قلب تر و نرمدل تر از دیگران هستند ، خداوند مرا به عنوان مژده دهنده و بیم دهنده مبعوث به رسالت فرمود ، جوانان با من هم پیمان شدند ، و پیران به مخالفت با من برخاستند".

امام صادق (ع) نیز در این زمینه چنین می فرماید :

**"علیک بالأحداث فإنهم أسرع الی کل خیر".**

"بر تو باد به امر جوانان ، آنان در هر کار خیری ، از دیگران سریعتر هستند".

### **اصل پنجم :**

#### **شناخت نقاط قوّت و نقاط ضعف جوانان**

جوانان نیز مانند دیگران ، دارای نقاط قوّت و نقاط ضعف هستند و شناخت هر دو امر برای مربیان و والدین آنان ضروری است. چه بسا یک مربی خوب بتواند نقاط ضعف برخی از جوانان را با تکیه بر نقاط قوّت آنان ، برطرف سازد.

همچنین ، مربیان و معلّمان و والدین جوانان باید بدانند که گاهی لغزش هایی در زندگی آنان بروز می کند ، ولی در پرتو خوبی ها و استعداد های نهفته در آنان ، امکان جبران لغزش های مذکور وجود دارد. بنا بر این ، نباید از اصلاح جوانان دارای مشکل ، ناامید و مأیوس شد.

روایت شده که یکی از جوانان طایفه انصار در مسجد النبی حاضر می شد و با پیامبر گرامی اسلام و دیگر مسلمانان نماز می خواند، ولی در عین حال ، گاهی مرتکب گناه و معصیت می گردید. قضیه را به پیامبر اکرم گفتند ، حضرت در پاسخ آنان فرمود :

"إِنَّ صَلَاتَهُ تَنْهَاهُ يَوْمًا مَا". یعنی : روزی نماز او ، وی را از گناه باز خواهد داشت.

مدّتی طولانی نگذشت تا اینکه آن جوان توبه کرد و از معاصی دست کشید و به صف پرهیزکاران پیوست.

## **اصل ششم :**

### **شناخت جوانان ، در پرتو زمان و مکان**

یکی از مهمترین امور ، شناخت نقش زمان و مکان در شکل گیری شخصیت و روحیه جوانان است. همانگونه که زمان در گذر است و هر عصری نسبت به عصرهای پیشین ، دارای ویژگی های منحصر به فرد می باشد ، اهل هر زمان و هر عصری نیز ، خصوصیات غیر از خصوصیات نسل قبل از خود را دارند.

بنا بر این ، والدین و مدیران و مربیان امور جوانان باید به این حقیقت آگاه باشند ، و هرگز جوانان نسل جدید را با نسل قبلی مقایسه نکنند و از آنان نخواهند که صد در صد مثل آنان بیندیشند یا مانند آنان رفتار نمایند.

امیر مؤمنان (ع) در حدیثی زیبا چنین می فرماید :

**"لا تقسروا أولادکم علی آدابکم ، لأنهم مخلوقون لزمان غیر زمانکم".**

"هرگز فرزندان خود را مجبور به پیروی از آداب و رسوم خودتان نکنید، زیرا آنان برای زمانی غیر از زمان شما آفریده شده اند".

### **اصل هفتم :**

#### **اهتمام ورزیدن به آموزش اعتقادات سالم**

امیر مرمنان (ع) می فرماید :

**"علموا صبیانکم ما ینفعهم به لا یغلبوا علیهم المرچئة برأیها".**

مطالبی را به فرزندان خود یاد دهید تا در برابر گروه "مرچئه" به نفعشان باشد و آن گروه نتواند بر آنان غلبه کند".

امام صادق (ع) نیز می فرماید :

**"بادروا أحداثکم بالحديث ، قبل أن تسبقکم إلیهم المرچئة".**

"دانش حدیث را به جوانان خود بیاموزید ، پیش از آنکه مرجعه از شما سبقت گیرند".

از این احادیث به خوبی روشن می گردد که پیشوایان بزرگ ما والدین و مسئولان امر آموزشی را توصیه می کنند تا اعتقادات صحیح را به جوانان بیاموزند ، تا از فریب گروه های گمراه مانند "مرجئه" در امان بمانند.

گروه "مرجئه" در قرن اول هجری در بعضی از مناطق مسلمان نشین مانند کوفه در عراق پدید آمد. این واژه از کلمه "ارجاء" بمعنای "تأخیر" و یا "امید وار ساختن" مشتق شده است. این گروه را مرجئه نامیدند ، زیرا به تأخیر عمل نسبت به ایمان معتقد بودند و می گفتند : معصیت به انسان با ایمان ضرری نمی رساند ، همانگونه که طاعت برای کافر ، نفعی ندارد. آنان به این وسیله به گنهکاران امید می دادند تا به معصیت خود ادامه دهند.

### **اصل هشتم :**

#### **اهتمام ورزیدن به آموزش علوم و فنون**

- والدین و مربیان جوانان ، در کنار آموزش اعتقادات سالم ، باید در زمینه های ذیل ، آموزش های لازم را به نوجوانان و جوانان بدهند:
- آموزش دانش های جدید و ضروری ، و زمینه سازی در جهت پیشرفت علمی جوانان ، بر اساس مقتضیات زمان و مکان.
  - آموزش حرفه ها و مهارت های لازم ، به منظور اینکه بتوانند در سنین بزرگسالی ، در جهت حل مشکلات خود از آن مهارت ها بهره مند گردند و امرار معاش نمایند.

- آموزش فنون و هنرهای ضروری ، به منظور توانا ساختن جوانان در جهت حفظ سلامت و دفاع از خود ؛ مانند فنون رزمی ، شنا ، رانندگی و امثال آن.

علی ابن ابی طالب (ع) در این زمینه چنین می فرماید :

**"أولى الأشياء أن يتعلمها الأحداث: الأشياء التي إذا صاروا رجالا احتاجوا إليها".**

مهمترین کاری که باید جوانان یاد بگیرند ، کارهایی است که وقتی بزرگ شدند ، به آن احتیاج دارند".

پیامبر گرامی اسلام نیز چنین می فرماید :

**"عَلِّمُوا أَوْلَادَكُمْ السَّبَّاحَةَ وَ الرَّمَايَةَ".**

"شنا و تیر اندازی را به فرزندان خود یاد دهید".

در تاریخ آمده است که وقتی یکی از فرزندان امام حسین (ع) سوره حمد را در نزد معلّم یاد گرفت و آن سوره را در محضر پدر خود قرائت نمود ، آن حضرت دهان معلّم را پر از درّ و گوهر ساختند. شخصی در آنجا سؤال کرد. امام حسین (ع) در جواب سؤال او فرمودند ، این بخشش ما کجا و آن خدمت بزرگی که معلّم به فرزند من نموده کجا ؟

در حکایت دیگر آمده است که مردی از طایفه انصار در زمان پیامبر گرامی (ص) از دنیا رفت ، در حالی که همه دارایی خود را خرج کرده بود و برای فرزندان خود فکری نکرده بود و در نتیجه پس از مرگ وی ، فرزندان او به گدایی افتادند. قضیه را به عرض رسول خدا

رساندند . حضرت به اصحاب خود فرمود : با آن مرد که از دنیا رفت چه کردید؟ گفتند : او را به خاک سپردیم. حضرت فرمود : اگر من می دانستم ، هرگز اجازه نمی دادم او را در مقبره مسلمانان دفن کنید ، زیرا فرزندان خود را رها کرد تا به گدایی بیفتند.

بنا بر این ، باید پدران و مادران به فکر آینده فرزندان خود باشند و ترتیبی دهند تا آنان در زندگانی خود به صورت آبرومندانه بتوانند زندگانی مرتّبی داشته باشند.

### **اصل نهم :**

#### **اهتمام ورزیدن به آموزش ادب و اخلاق**

در فصل های گذشته گفته شد که بهترین میراثی که پدران برای فرزندان می توانند به جای بگذارند ، ادب است. زیرا ادب و اخلاق زیبا ، به فرد و جامعه ارزش می دهد و عظمت می بخشد.

اقوام روزگار به اخلاق زنده اند  
قومی که گشت فاقد اخلاق مردنی است

بدین جهت ، پیامبر گرامی (ص) می فرماید :

**"اَكْرَمُوا اَوْلَادَكُمْ وَاَحْسِنُوا اَدَابَهُمْ يُعْفَرْ لَكُمْ".**

"فرزندان خود را گرامی دارید و آداب زیبا به آنان بیاموزید ، تا اینکه مورد مغفرت و بخشش الهی قرار بگیرید".

امام علی (ع) نیز در حدیثی چنین می فرماید :  
"یا معشر الفتیان حصنوا أعراسکم بالأدب و دینکم بالعلم".  
"ای گروه جوانان ، آبروی خود را با ادب ، و دین خود را با دانش  
نگهدارید".

امام صادق (ع) می فرماید :  
"جاء رحلان إلى النبي (ص) : شيخ و شابّ ، فتکلم الشابّ قبل الشيخ ،  
فقال النبيّ (ص) : الكبير ، الكبير".  
"دو نفر به نزد پیامبر آمدند ، یکی از آنها پیرمرد و دیگری جوان بود.  
فرد جوان قبل از پیر مرد ابتدا به سخن کرد. پیامبر (ص) فرمود :  
بزرگتر ، بزرگتر".

می بینیم که رسول خدا (ص) با این سخن خود ، تلاش فرمود تا  
ادب و اخلاق را به دیگران بیاموزد ، که یکی از موارد آن ، احترام به  
بزرگسالان است.  
در حدیثی دیگر ، امام مجتبی (ع) ، جوانان را مورد خطاب خود قرار  
دادند و فرمودند :

"یا معشر الأحداث اتّقوا الله و لا تأتوا الرؤساء ، دعوهم حتّی یصیروا  
أذنايا".  
"ای گروه جوانان ، از خدا بپرهیزید و به دنبال رؤسا نروید ، بگذارید تا  
آنان ، دنباله رو گردند".



در این حدیث ، امام حسن (ع) ، جوانان را از دنباله روی سردمداران ستمگر و متابعت از ظالمان ، منع می فرماید و آنان را با ارزش ها و کرامت های انسانی ، آشنا می سازد.

امیر مؤمنان (ع) نیز در روایتی زیبا ، فرزند خود امام مجتبی را به آزادگی توصیه می کند و می فرماید :  
"لاتکن عبد غیرک ، فقد جعلک الله حراً".  
"فرزندم ، برده دیگران مباش ، زیرا خداوند تو را آزاد آفریده است".

بنا بر این ، باید والدین و مربیان جوانان ، آنان را با اخلاق فاضله و کرامت انسانی آشنا سازند ، و داشتن آزادگی و همّت عالی را به آنان توصیه نمایند.

همّت بلند دار که مردان روزگار  
از همّت بلند به جایی رسیده اند

### اصل دهم :

#### اهتمام ورزیدن به تربیت جوانان با رفتار صحیح

قرآن مجید ، ما را به سوی عمل کردن به آنچه می گوئیم دعوت می کند و چنین می فرماید :

"يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لِمَ تَقُولُونَ مَا لَا تَفْعَلُونَ . كَبُرَ مَقْتًا عِنْدَ اللَّهِ أَنْ تَقُولُوا مَا لَا تَفْعَلُونَ". (سورة الصفّ ، الآية 2 و 3).

"ای اهل ایمان ، چرا سخنی می گوئید که به آن عمل نمی کنید؟

این موجب خشم شدید خداوند است که چیزی بگویند که به آن عمل نمی کنید".

پیامبر گرامی نیز چنین می فرماید :

**"أحبوا الصبيان و ارحمواهم و إذا وعدتموهم شيئا ففؤا لهم. فإنهم لا يرون إلا أنكم ترزقونهم".**

"فرزندان خود را دوست بدارید و آنان را مورد محبت خودتان قرار دهید، و اگر به آنان وعده چیزی دادید ، حتما به وعده خود وفا کنید، زیرا آنان چنان می اندیشند که شما آنها را روزی می دهید".

بنا بر این ، والدین و متصدیان امر تربیت جوانان باید در برخورد با جوانان صداقت داشته باشند و هرگز به آنان دروغ نگویند و اگر به آنها وعده دادند ، به قول خود عمل کنند ، تا با عمل و کردار صحیح خود ، اخلاق و رفتار درست را به نسل جوان بیاموزند. آنان باید توجه داشته باشند که پدران و مادران و مربیان و معلمان ، اسوه و الگوی تربیتی جوانان هستند و عمل آنان بیش از سخنشان در روحیه آنان تاثیر می گذارد.

پیامبر اسلام (ص) به دلیل الگو بودن در نزد دیگران ، همواره به عموم مردم سلام می کرد ، حتی به کودکان خردسال ، تا ادب و تواضع را با عمل خود به آنان بیاموزد. ایشان در حدیثی زیبا چنین می فرماید :

**"خمس لست ادعهنّ حتى الممات : ... و التسليم على الصبيان لتكون سنة من بعدى".**

"پنج چیز را تا هنگام مرگم هرگز ترک نخواهم کرد ... و سلام بر  
کودکان را ، تا اینکه پس از من سنت باشد".

\*\*\*\*\*

## فصل چہارم

## دوست داشتن جوانان

دین اسلام ، به والدین و مربیان امور جوانان توصیه می کند فرزندان خود و جوانان را دوست بدارند و این محبت و دوستی را در گفتار و رفتار خود در نزد آنان به اثبات برسانند.

امام صادق (ع) در این زمینه می فرماید :

**"إِنَّ اللَّهَ لِيَرْحَمَ الْعَبْدَ لَشِدَّةِ حَبِّهِ لَوْلَاهُ".**

"خداوند ، بنده خود را به خاطر اینکه به فرزند خود خیلی محبت دارد ، دوست می دارد".

رسول خدا (ص) نیز چنین می فرماید :

**"أَمَّا لَوْ كُنْتُمْ تُوْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ لَرْحِمْتُمُ الصِّبْيَانَ".**

"اگر ایمان به خدا و پیامبر او داشتید ، کودکان خود را مورد عطوفت و محبت قرار می دادید".

آن حضرت در حدیثی دیگر چنین می فرماید :

**"أَحْبَبُوا الصِّبْيَانَ وَارْحَمُوهُمْ".**

"کودکان را دوست بدارید و با آنان مهربان باشید".

امام کاظم (ع) ، به خشم خداوند نسبت به کسی که زن و فرزند خود را دوست ندارد اشاره می کند و چنین می فرماید :

**"إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَ بِغَضِبٍ لِّشَيْءٍ كَغَضَبِهِ لِلنِّسَاءِ وَ الصِّبْيَانِ".**

"خداوند برای هیچ امری به اندازه امور مربوط به (اهمال) زنان و کودکان ، خشمگین نمی شود".

امام جعفر صادق (ع) نیز می فرماید :

"سأل النبي موسى عليه السلام ربّه : أيّ الأعمال أفضل عندك؟ قال : حبّ الأطفال".

"حضرت موسی (ع) از خدا سؤال کرد : کدام عمل در نزد تو از همه بهتر است ؟

خداوند فرمود : دوست داشتن کودکان".

## بوسیدن فرزندان

روایات فراوانی در مکتب اسلام وجود دارد که بر ضرورت ابراز محبت به فرزندان دلالت دارد. بدیهی است که یکی از مظاهر ابراز دوستی، بوسیدن اولاد است.

پیامبر گرامی اسلام (ص) می فرماید :

"من قبل ولده كتب الله عزّ وجلّ له حسنة ، ومن فرّحه فرّحه الله يوم القيامة".

"هرکس فرزند خود را ببوسد ، خدای عزّ و جلّ برای او حسنه ای را می نویسد ، و هرکس فرزند خود را خوشحال کند ، خداوند او را در روز قیامت خوشحال خواهد فرمود".

آن حضرت در حدیثی دیگر چنین می فرماید :

"اکثروا من قبلة اولادکم فان لکم بكل قبلة درجة".

"فرزندان خود را زیاد ببوسید ، چرا که برای هر بوسه ای ، برای شما درجه ای عطا می شود".

رسول خدا (ص) در حدیث ذیل ، به انقطاع رحمت خدا نسبت به کسی که فرزند خود را نبوسیده است اشاره می کند :

"قَبْلَ رَسُولِ اللَّهِ الْحَسَنُ وَالْحُسَيْنَ ، فَقَالَ الْأَقْرَعُ بْنُ حَابِسٍ : إِنَّ لِي عَشْرَةَ مِنَ الْوَالِدِ مَا قَبَّلْتُ وَاحِدًا مِنْهُمْ ، فَقَالَ النَّبِيُّ : مَا عَلَيَّ إِنْ نَزَعَ اللَّهُ الرَّحْمَةَ مِنْكَ".

"پیامبر (ص) ، امام حسن و امام حسین را (که کودک بودند) بوسید. شخصی به نام اقرع ابن حابس گفت : من ده فرزند دارم و هیچیک از آنان را نبوسیده ام.

پیامبر فرمودند : چیزی بر من نیست ، اگر خداوند رحمتش را از تو گرفته است".

شخصی در حضور پیامبر گفت : من فرزندم را هرگز نبوسیده ام. رسول خدا فرمود : "این شخص ، از اهل آتش جهنم است".

ابن عباس از پیامبر گرامی روایت کرده است که فرمود:

"مَنْ فَرَحَ ابْنَتَهُ فَكَانَ مِثْلَ رَقِيبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ وَ مَنْ أَقْرَعَ عَيْنَ ابْنِ فَكَانَ مِثْلَ بَكِيٍّ مِنْ خَشِيَةِ اللَّهِ".

"هرکس دختر خود را خوشحال کند ، مثل این است که برده ای را از نسل حضرت اسماعیل (ع) آزاد کرده است. و هرکس پسر خود را شادمان سازد ، مثل این است که از خشیت خداوند گریسته است".

## تبعیض میان اولاد ، جایز نیست

ابراز محبت نسبت به فرزند ، امر مثبت و ارزشمند است ، اما در صورتی که با تبعیض میان آنان همراه باشد ، می تواند به امری منفی و خسارت بار تبدیل شود. بنا بر این ، به منظور پیشگیری از ایجاد کینه و حسد میان فرزندان در یک خانواده ، باید والدین آنها با دیده محبت به همه آنان نگاه کنند و از تبعیض میان آنها خود داری نمایند.

پیامبر گرامی در این زمینه می فرماید :

**"اعدلوا بین اولادکم كما تحبون ان يعدلوا بینکم".**

"میان فرزندان خود با عدالت رفتار کنید ، همچنانکه دوست دارید آنان نیز با عدالت با شما رفتار کنند".

در حدیثی دیگر ، چنین آمده است :

**"النبی صلی الله علیه و آله نظر الی رجل له ابنا فقیل احدهما و ترک الاخر . فقال النبی صلی الله علیه و آله ، فهلا ساویت بینهما".**

"رسول خدا (ص) به مردی نگاه کردند که دو فرزند داشت ، وی یکی از آنان را بوسید و دیگری را به حال خود رها کرد. پیامبر فرمودند : چرا بین آنان به تساوی عمل نکردی ؟ "

همچنین ، تبعیض میان پسر و دختر در زمینه ابراز محبت ، جایز نیست. پیامبر گرامی (ص) در مورد اهمیت محبت والدین نسبت به دختران خودشان می فرماید :



**"من فرح ابته فکانما اعتق رقیه من ولد اسماعیل".**

"هر کسی که دختر خود را خوشحال کند ، مانند این است که برده ای از اولاد اسماعیل (ع) را در راه خدا آزاد کرده است".

### **زدن فرزندان ، جایز نیست**

یکی از عادات زشت برخی از مردم ، تند خویی و به کار بردن خشونت در خانواده و زدن فرزندان است.

امیر مؤمنان (ع) می فرماید :

**"الحدّة ضرب من الجنون ، لأنّ صاحبه یندم ، فإن لم یندم فجنونه مستحکم".**

تند خویی ، نوعی دیوانگی است ، زیرا صاحب آن پشیمان می شود ، و اگر پشیمان نشود ، دیوانگی او مستحکم است".

راه های دیگری برای تربیت و آموختن ادب برای کودکان وجود دارد ، مانند تشویق ، ترغیب ، نصیحت و امثال آن . شایسته است والدین ، راه های مناسب دیگری غیر از زدن را برای امر تربیت فرزندان خود به کار ببرند .

شخصی می گوید :

**"شکوت الی ابی الحسن (ع) ابنا لی ، فقال : لا تضر به و اهجره و لا تطل".**

"از دست فرزندم در نزد امام ابو الحسن (ع) شکوه کردم . آن حضرت فرمود : او را نزن ، بلکه برای مدّتی با او قهر کن ، ولی نگذار آن مدّت طولانی شود".

بنا بر این ، امام معصوم (ع) در این سخن به سه نکته اشاره می فرماید :

- اول اینکه فرزند خود را نزند.
- دوم اینکه می تواند به منظور تنبیه او ، برای مدّتی با او قطع رابطه کند.
- سوم اینکه این قطع رابطه نباید طولانی شود.

\*\*\*\*\*

## فصل پنجم

## نصیحت جوانان

نصیحت عبارت است از ابراز حسن نیت و موعظه کردن شخصی به خاطر دوست داشتن او و به منظور خیر خواهی.

بنا بر این ، همه انسانها به نصیحت نیازمند هستند. حتی پیامبر گرامی اسلام (ص) به جبرئیل فرمودند :

"ای جبرئیل ، مرا نصیحت کن."

جبرئیل عرض کرد :

"یا محمد ، عش ما شئت فإتک میّت ، و اعمل ما شئت فإتک ملاقیه ، و احب ما شئت فإتک مفارقه ، شرف المؤمن صلاته باللیل ، و عزّه کفّه عن أعراض الناس".

یعنی : ای محمد ، هر چه می خواهی زندگی کن ، ولی بدان که خواهی مرد ؛ و هر کاری می خواهی انجام بده ، ولی بدان که با آن عمل خود ملاقات خواهی کرد ؛ و هر چه را که می خواهی دوست بدار ، ولی بدان که از آن جدا خواهی شد ؛ شرافت مؤمن ، نماز او در شب است ، و عزّت او ، خود داری از آبروی مردم".

اما اینکه ما در این فصل ، بر روی نصیحت به جوانان تکیه کردیم، به خاطر این است که نوجوانان و جوانان به دلیل تازه سال بودن، به تجارب و دروس زندگی بزرگترها نیاز بیشتری دارند.

در اینجا ، نمونه هایی از نصایح بزرگان دین را که به فرزندان خود تقدیم نموده اند ، از نظر شما می گذرانیم :

## نصیحت امام علی (ع) به فرزندان

امیر مؤمنان (ع) ، فرزندان خود (امام حسن و امام حسین) را با عبارات زیبای ذیل ، مورد موعظه و نصیحت قرار می دهد :

- **بادر الفرصة قبل ان تكون غصة.**

"فرصت را غنیمت شمار ، پیش از آنکه پشیمانی و غصه پیش آید."

- **... أن تحب للناس ما تحب لنفسك و تكره لهم ما تكره لها.**

"آنچه برای خودت می پسندی برای دیگران هم بپسند ، و آنچه برای خود دوست نداری ، برای دیگران هم دوست ندار."

- **لا تتخذن عدو صدیقك صديقاً فتعادی صدیقك.**

"دشمن دوست خود را به عنوان دوست خود نگیر ، زیرا موجب دشمنی میان تو و دوستت می گردد."

- **و اقبل عذر من اعتذر اليك.**

"غذخواهی غذرخواه را بپذیر."

## نصیحت امام علی (ع) به امام حسین

- **و اعلم ای بنی انه من ابصر عیب نفسه شغل عن عیب غیره.**

"بدان ای فرزندم ، کسی که عیب خود را ببیند ، توجهی به عیوب دیگران نخواهد کرد".

**- من هتک حجاب غیره انکشف عورات بیته.**

"کسی که پرده دیگران را بدرد ، پرده خاندان خودش نیز دریده می گردد".

**- من اعجب برأیه ضل.**

"کسی که فقط رای خود را می پسندد ، گمراه می گردد".

**- السعید من وعظ بغیره.**

"سعادت مند کسی است که از دیگران درس عبرت بگیرد".

**- من کنوز الایمان الصبر علی المصائب.**

"یکی از گنجینه های ایمان ، صبوری در برابر مشکلات است".

**- التد بیر قبل العمل بؤمنک الندم.**

"اندیشیدن پیش از شروع کار ، تو را از پشیمانی در امان نگاه می دارد".

**- یا بنی بنس الزاد الی المعاد العدو ان الی العباد.**

"ای فرزند ، بد توشه ای است برای آخرت ، ظلم کردن به بندگان خدا".

**- و اعلم ای بنی من لانت کلمته و حبت محبته.**

"بدان ای فرزند ، کسی که سخن او نرم باشد ، دوستیش واجب می گردد".

## نصیحت های لقمان به فرزندش

- یا بنی من لا یملک لسانه یندم.

"ای فرزندم ، کسی که زبان خود را نگاه ندارد ، پشیمان می گردد".

- یا بنی من یصاحب صاحب السوء لا یسلم.

"ای فرزند ، کسی که دوست بد انتخاب کند ، سالم نمی ماند".

- یا بنی علیک بالموعظة فانها عند العاقل احلی من العسل  
الشهد.

"ای فرزند ، بر تو باد به نصیحت ، چرا که نصیحت در نزد خردمند از عسل شیرین تر است".

- یا بنی تعلّم من العلماء ما جهلت و علّم الناس ما علمت .

"ای فرزندم ، آنچه را نمی دانی از دانشمندان بیاموز ، و آنچه را می دانی به دیگران یاد بده".

- یا بنی اجهد ان یکون الیوم خیراً لک من امس فانه من  
استوی یوماه فهو مغبون.

ای فرزند ، تلاش کن امروزت بهتر از دیروز باشد ، زیرا کسی که دو روزش با هم مساوی باشد مغبون است".

## جوانان و ازدواج

از همین باب نصیحت ، پیامبر گرامی اسلام (ص) جوانان را به ازدواج ، توصیه و نصیحت می کند و چنین می فرماید :

" یا معشر الشباب من استطاع منکم الباه فلیتزوج".

"ای گروه جوانان ، هرکدام از شما که می تواند ازدواج کند ، پس ازدواج نماید".

آن حضرت در سخنی دیگر می فرماید :

"خيار امتی المتأهلون و شرار امتی العزاب".

"نیکان امت من متأهلان هستند ، و بدان امت من عزب ها".

امام علی (ع) نیز در حدیثی چنین می فرماید :

" لم یکن احد من اصحاب رسول الله صلی الله علیه و آله تزوج الا قال رسول الله : کمل دینه".

"هیچیک از اصحاب رسول خدا ازدواج نمی کرد مگر اینکه پیامبر می فرمود : دین او کامل شد".



## جوانان و احترام والدین

خداوند بزرگ و پیشوایان دینی از باب نصیحت به جوانان ، آنان را به احترام والدین توصیه کرده اند. زیرا این عمل ارزشمند ، مایه برکت در عمر و رزق اولاد ، و سعادت دنیا و آخرت آنان می گردد.

خداوند در سوره اسرا چنین می فرماید :

"و قَضَى رَبِّكَ أَلَّا تَعْبُدُوا إِلَّا آيَاهُ وَ بِالْوَالِدِينَ إِحْسَانًا أَمَا بَيَّلْنَا عِنْدَكَ الْكَبِيرَ أَحَدَهُمَا أَوْ كَلَاهُمَا فَلَا تَقُلْ لَهُمَا آفٌ وَ لَا تَنْهَرْهُمَا وَ قُلْ لَهُمَا قَوْلًا كَرِيمًا وَ اخْفِضْ لَهُمَا جَنَاحَ الذَّلْمِ مِنَ الرَّحْمَةِ وَ قُلْ رَبِّ ارْحَمْهُمَا كَمَا رَبَّيْتَنِي صَغِيرًا".

"و پروردگارت فرمان داده : جز او را نپرستید و به پدر و مادر نیکی کنید. هرگاه یکی از آن دو، یا هر دوی آنها در نزد تو به سن پیری رسند، کمترین اهانتی به آنها روا مدار و بر آنها فریاد مزن و گفتار لطیف و سنجیده و بزرگوارانه به آنها بگو".

در سوره لقمان نیز چنین می خوانیم :

" وَوَصَّيْنَا الْإِنْسَانَ بِوَالِدَيْهِ حَمَلَتْهُ أُمُّهُ وَهْنًا عَلَى وَهْنٍ وَفِصَالُهُ فِي عَمِيمٍ أَنْ اشْكُرْ لِي وَلِوَالِدَيْكَ إِلَيَّ الْمَصِيرُ".

" و ما به انسان درباره پدر و مادرش سفارش کردیم؛ مادرش او را با ناتوانی روی ناتوانی حمل کرد ، و دوران شیرخوارگی او در دو سال پایان می یابد ؛ (به او توصیه کردیم) که برای من و برای پدر و مادرت شکر بجا آور که بازگشت [همه شما] به سوی من است ".

در حدیثی شریف چنین می خوانیم :

" جاء رجل الى النبي صلى الله عليه وآله، وقال يا رسول الله لم اترك شيئاً من القبيح الا وقد فعلته ، فهل لي من توبة ؟، فقال له رسول الله (ص) : هل بقي من والديك أحد ؟ فقال نعم ابي، فقال(ص) : اذهب وابرهه ."

"شخصی آمد خدمت رسول خدا و چنین گفت : ای پیامبر خدا ، هیچ کار زشتی نیست که انجام نداده باشم ، آیا امکان توبه برای من وجود دارد ؟

پیامبر فرمود : آیا هیچکدام از پدر و مادرت زنده هستند ؟

عرض کرد : بلی ، پدرم زنده است.

حضرت فرمود : "برو و به پدرت نیکی کن."

رسول خدا در روایتی دیگر چنین می فرماید :

" الجنة تحت أقدام الامّهات ."

"بهشت ، زیر قدمهای مادران است."

آن حضرت در حدیثی دیگر می فرماید :

" ما أكرم شابّ شيخا لسنته إلا قيّض الله له (أى : هيباً له) عند كبر سنّه من يكرمه ."

"هیچ جوانی به پیرمردی احترام نمی گذارد ، مگر اینکه خداوند شخصی را مهیباً می سازد تا در هنگام بزرگسالی ، او را گرامی بدارد."

و الحمد لله ربّ العالمين